
چهار قطره خون

علیرضا آذر

تیمار^{تشر}

فهرست

نانحس / ۷

لحد / ۲۱

تاریک‌خانه / ۳۳

بی‌نامی / ۴۵

چار قطره خون / ۵۳

زخم بستر / ۶۳

دایره / ۷۱

آلبوم / ۸۶

نانحس

وقتی خودت در خود گرفتاری...
هر گونه‌ی زنجیر یعنی هیچ
دلخوش نکن، این متن چیزی نیست...
این شعر بی تصویر یعنی هیچ

بعد از تو تصویری نمانده تا...
شاعر خیالی نو در اندازد
تنها به فکر مرگ، وامانده‌ست...
تا خون بهایت را بپردازد

بنشین غروبِ شعر از اینجاست...
از کفش‌های پشتِ در مانده
از مادری‌های تو با طفلی
کز قبلِ بودن بی‌پدر مانده

سیاره‌ای خاموش و متروکم...
در من حضوری گنگ مشهود است
این سنگِ سردِ کُنچِ منظومه...
قبلاً زمینِ زندگی بوده‌ست

این تکه‌سنگِ آسمانِ جُل را...
بردار و ها کن جان نو گیرد
در من دو جرعه زندگی مانده...
آن هم نجنبی زود می‌میرد

حالا کجا با این همه تندی؟...
من هر چه کردم با خودم کردم
جانِ علی امروز با من باش...
بنشین برایت جای دم کردم

می‌گفتم و می‌گفتم و گفتم...
نشیدی و نشنیدم و گم شد
سوزِ دلم در روزه‌های شهر...
کَلت کمی از کُلِ مردم شد

من ماندم و تقویمِ تاریکم...
آینده‌ی منحوس و تکراری
جسمی گرفتارِ خودآزاری...
در پوششی از دیگرآزاری

تاریخ از پلکِ تو افتادن...
دست خدا دادم تمامت را
مَن‌ها تلف کردند عمرت را...
از خود گرفتی انتقامت را

تاریخِ شب‌ها تا ابد رفتن...
تلخابه‌ی تا صبح بیداری
از هر طرف در سینه‌ی بن‌بست...
دورانِ چفتِ چار دیواری